

نقش عذر خواهی و بخشش در پایداری زندگی اجتماعی

مرتضی رحیمی^۱
سمیه سلیمانی^۲

چکیده

تحقیق حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده به پرسش "عذر خواهی و بخشش در پایداری زندگی اجتماعی چه نقشی دارد؟" پاسخ گفته و در تبیین پاسخ آن اشاره نموده که اسلام برای کاهش تنشها همواره مسلمانان را به صلح و دوستی، پرهیز از کینه و دشمنی، حل کردن اختلافات با تکیه بر فضایل اخلاقی از جمله بخشش و عذرخواهی ترغیب نموده است. نگارش رساله‌هایی، چون الفت نامه، مصادقه الاخوان و... توسط عالمان اسلامی در همین راستا می‌باشد. در فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام عذر خواهی مؤمنان از پیامدهای زیانبار دنیوی و اخروی جلوگیری نموده و پذیرفتن عذر دیگران پرتویی از اخلاق خدا، گام نهادن جای پای پیامبران و اولیای خدا و بستر تکامل آدمی و موجب صلح و همدلی بین مردم و محبوبیت انسان نزد خدا دانسته شده است. اهمیت عفو و بخشش تا بدانجاست که به موجب روایات، خداوند از مؤمن نیازمند همانند عذر خواهی برادر از برادر عذرخواهی می‌کند و مزد عذر خواهی را بر ذمه گرفته و آن را از صفات متقین بر شمرده و به مسلمانان منحصر نکرده است، همچنین به موجب روایات در مواردی معصومان علیهم‌السلام از مردم عذر خواهی کرده اند، که از جمله آن‌ها می‌توان به عذر خواهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از برخی از اصحاب صفا اشاره نمود.

قبول عذر و بخشش در پایداری زندگی اجتماعی نقش بسزا دارد، زیرا اگر همه مردم در گرفتن حقوق خویش دقیق و جدی باشند و از کوچک‌ترین لغزش دیگران چشم‌پوشند، زندگی، بسیار تلخ شده و روح صفا و صمیمیت به کلی از بین خواهد رفت.

عذر خواهی در صورتی یک فعل اخلاقی و مطلوب است که با آداب و شرایط لازم، همچون منت نگذاشتن و... صورت گیرد و عذر خواهی بجا باشد، از این رو عذر خواهی از کارهای خوب، عذر خواهی از کسی که برای دیگران حقی قائل نیست و فاقد روحیه ادب و احترام به دیگران است و... مطلوب نبوده و یک فعل غیر اخلاقی می‌باشد، همچنین با وجود مطلوب بودن عذر خواهی و پذیرش عذر دیگران، وادار نمودن دیگران به عذر خواهی اخلاقی نیست. هدف از تحقیق حاضر تبیین اهمیت عذر خواهی و بخشش و تشویق به پایداری زندگی اجتماعی است.

واژگان کلیدی

بخشش، خطا، عذر خواهی، پذیرش عذر، پایداری

Email: mrahimi@shirazu.ac.ir

۱. استادیار بخش علوم قرآن و فقه دانشکده الهیات دانشگاه شیراز

Email: s.soleimani23@gmail.com

۲. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۶

طرح مسأله

اخلاقیات، از جمله بخشش و پذیرش عذر در سعادت فردی و اجتماعی و پایداری زندگی اجتماعی نقش محوری دارند، از همین رو قرآن به ایجاد وحدت و الفت و دوستی بین قلبها امر کرده (آل عمران: ۱۳۰) و بر صلح و از بین بردن نفرت و دشمنی تأکید نموده و مؤمنان را برادران یکدیگر دانسته و از آنان خواسته که با رعایت تقوا با همدیگر در صلح و آرامش باشند تا مشمول رحمت خدا شوند (حجرات: ۱۰). بعثت پیامبران در همین راستا و برای گسترش فضایل اخلاقی می‌باشد، چنانچه پیامبر ﷺ فرموده اند: «من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تمام کنم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸ / ۳۸۲)

معصومان ﷺ نیز منادی بخشش و پذیرش عذر بوده و علاوه بر تشویق‌های گفتاری عملاً به آن ترغیب نموده اند، چنانچه پیامبر ﷺ وحشی قاتل حمزه (عمویش) را که وحشیانه ترین عمل ممکن را نسبت به جنازه بر زمین افتاده یک انسان در صحنه نبرد انجام داده، بخشیده و این امر موجب مسلمان شدن وی شده است (مفید، ۱۴۱۳: ۸۳ / ۱).

ولتر می‌گوید: «دین اسلام وجود خود را به قنوت و جوانمردی‌های بنیان گذارش مدیون است، در صورتی که مسیحیان با کمک شمشیر و تل آتش آیین خود را به دیگران تحمیل می‌کنند. پروردگارا کاش تمام ملت‌های اروپا، روش ترکان مسلمان را سرمشق قرار می‌دادند.» (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۶۹-۳۱۷)

عذر خواهی و قبول عذر و بخشش، آثار مثبت فراوانی در اجتماع دارد و در روایات از آن به تاج مکارم اخلاقی تعبیر شده است (خوانساری، ۱۳۷۳: ۱۳۷ / ۱).

عذر خواهی و بخشش در اجتماع و پایداری زندگی اجتماعی و ترغیب مردم به بهره بردن از این صفت پسندیده و نیز کاهش بسیاری از اختلافات و تنش‌های میان مردم نقش بسزا دارد.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که گرچه درباره عذر خواهی و بخشش در کتب اخلاقی و منابع حدیثی و تفاسیر سخن به میان آمده اما در باره نقش آن در پایداری زندگی اجتماعی تحقیق مستقلی وجود ندارد، از این رو مقاله حاضر به این امر اختصاص یافته تا به پرسش‌هایی، مانند «آیا در متون اسلامی از اهمیت و لزوم پایداری زندگی اجتماعی سخن به میان آمده؟»، «آیا عذر خواهی و بخشش در پایداری زندگی اجتماعی مؤثر است؟»، «آثار مثبت عذر خواهی کدامند؟»، «منظور از عذر خواهی‌های نابجا و موارد آن چیست؟» و نظایر آن پاسخ دهد.

در خصوص نوآوری تحقیق باید گفت که در تحقیق حاضر از چند جهت نوآوری وجود دارد، زیرا از یک سو نقش عذر خواهی در پایداری زندگی اجتماعی تبیین شده و از سویی از عذر خواهی خداوند و معصومان ﷺ و توجیه آن سخن به میان آمده، همچنین ضمن اشاره به آثار مثبت عذر خواهی، عذر خواهی نابجا و مصادیق آن تبیین شده است.

هدف از تحقیق حاضر تبیین اهمیت پایداری زندگی و چگونگی استفاده اسلام از فضایل اخلاقی، از جمله عذرخواهی و بخشش در پایداری زندگی اجتماعی و در نتیجه گسترش و تقویت پایداری اجتماعی است.

مفهوم پایداری زندگی اجتماعی

پایداری اجتماعی مورد توجه محققان قرار گرفته و تعاریف گوناگونی برای آن ارائه شده است، چنان که برخی گفته‌اند: «پایداری اجتماعی، عبارت است از تأمین شرایط بهتر زندگی که در آن توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه یا زمینه‌های لازم برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آسایش، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی پدید می‌آید» (پورطاهری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱-۲۲). در تبیین و ارزیابی پایداری اجتماعی شاخص‌هایی چون احساس بهتر بودن، کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع نشانه‌های روانی شامل اضطراب، افسردگی، ترس و میزان محرومیت نسبی، کیفیت محیط پیرامونی زندگی برای زیست، میزان رضایت از درآمد، نوع شغل و یا رضایت شغلی و مانند اینها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (همان).

دیدگاه اسلام درباره پایداری زندگی اجتماعی

با توجه به آیه «نَحْنُ قَسَمًا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا: ما معیشت آن‌ها را در حیات دنیا در میان آنان تقسیم کردیم، و بعضی را بر بعضی برتری دادیم، تا آن‌ها یکدیگر را تسخیر کنند و یکدیگر را به خدمت گیرند.» (زخرف: ۳۲) انسان‌ها به زندگی اجتماعی نیاز دارند و مدنی بالطبع الثانی هستند، زیرا کثرت حوایج انسان در زندگی دنیا آن قدر زیاد است که فرد فرد انسانها نمی‌توانند همه آن‌ها را در زندگی فردی خود برآورده نمایند، و مجبورند که بطور اجتماعی زندگی کنند، و از این رو است که اولاً بعضی، بعضی دیگر را به خدمت خود می‌گیرند، و از آنان استفاده می‌نمایند. ثانیاً اساس زندگی را تعاون و معاضدت یکدیگر قرار می‌دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰/ ۲۶۱).

از آنجا که به دلایلی، چون اصطکاک منافع، حسادت و... در بین افراد اجتماع اختلاف پیش آمده و پایداری زندگی اجتماعی به خطر می‌افتد، اسلام با روش‌های گوناگون از جمله حسن خلق و حسن معاشرت در پایداری زندگی اجتماعی و رفع اختلاف کوشیده است، زیرا انس و الفت - که با پایداری زندگی اجتماعی ارتباط مستقیم دارد - نتیجه حسن خلق، و جدایی و تفرقه نتیجه بدخویی دانسته شده است، چه آن که حسن خلق باعث دوستی و الفت و همدمی، و بدخویی موجب دشمنی و حسد و جدایی می‌شود و هر گاه درخت نیکو و پسندیده باشد، میوه‌اش نیز نیکو و پسندیده خواهد بود (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق: ۳/ ۲۸۴). در فضیلت خوشخویی همین بس که خداوند بدان وسیله پیامبرش ﷺ را ستوده است؛ آنجا که فرموده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۳) و

پیامبر ﷺ فرمود: «بیشترین چیزی که [انسان را] وارد بهشت می‌کند تقوای الهی و حسن خلق است.» (ترمذی، بی تا: ۱۶۸/۸) اسامة بن شریک گفته: عرض کردیم: «یا رسول الله بهترین چیزی را که به انسان عطا کرده‌اند، چیست؟ فرمود: حسن خلق.» (حاکم نیشابوری، بی تا: ۳۹۹/۴).

از آن حضرت پرسیدند: «یا رسول الله! حسن خلق چیست؟ فرمود: با کسی که از تو قطع رحم کرده، صله رحم کنی و از کسی که به تو ستم کرده است، درگذری و به کسی که تو را محروم کرده است عطا کنی» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق: ۲۸۴/۳)؛ نتیجه حسن خلق الفت و دوری از تنهایی و وحشت است و هر گاه درخت خوب باشد، میوه نیز خوب خواهد بود (همان).

با توجه به روایت اخیر از پیامبر ﷺ که حضرت در آن صله رحم با کسی که با انسان قطع رحم نموده و در گذشتن از کسی که به انسان ستم نموده و عطا کردن به کسی که انسان را محروم نموده از حسن خلق برشمرده اند، و با توجه به آنچه درباره ارتباط حسن خلق با الفت گذشت چگونگی ارتباط پذیرش عذر خطاکار با الفت و پایداری زندگی اجتماعی روشن می‌گردد.

نگارش کتاب‌هایی، همچون «الفت‌نامه» توسط فیض کاشانی، «مصادقة الاخوان» توسط شیخ صدوق و کتب مشابه توسط دیگر دانشمندان اسلامی در جهت تحقق پایداری زندگی اجتماعی می‌باشد.

عذر خواهی خداوند و معصومان ﷺ

از جمله دلایل اهمیت عذر خواهی آن است که در برخی روایات آمده که خداوند در روز قیامت از بندگان مؤمن نیازمند عذر خواهی می‌کند، چنان که امام صادق ﷺ فرموده‌اند: «خداوند جلّ ثناءه محققاً عذر خواهی کند از بنده مؤمن و حاجتمند خود در دنیا چنانچه برادری از برادر خود عذر خواهی کند، خداوند می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند، من تو را در دنیا ندار و نیازمند نکردم از راه این که تو نزد من خوار و بی‌مقدار بودی، این پرده برگیر و بنگر که از دنیا چه عوضی به تو داده‌ام، فرمود: آن پرده را بالا می‌زند و می‌گوید: آنچه را از من دریغ داشتی با این عوضی که به من دادی، زبانی برای من نداشته.» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲/۲۶۴)

معصومان ﷺ نیز در مواردی عذر خواهی نموده‌اند، چنان که امام صادق ﷺ درباره عذر خواهی پیامبر ﷺ از برخی از اصحاب صفا فرموده‌اند: «متاعی برای رسول اکرم ﷺ آوردند. بین اصحاب صفا تقسیم کرد؛ چون مقدار آن کم بود به همه نرسید. پیامبر ﷺ از این که مبادا محروم‌شدگان، رنجیده خاطر شوند نگران شد، نزد آنان رفت، صریحاً عذر خواهی کرد و فرمود: ای ساکنان سرپناه‌های مسجد در پیشگاه خدا از شما معذرت می‌خواهم، برای من چیزی آوردند، می‌خواستم بین همه شما تقسیم کنم ولی به همه نمی‌رسید لذا به کسانی که از ناتوانی و گرسنگی آن‌ها خائف بودم اختصاص دادم.» (بحرانی، ۱۴۱۱ق: ۱/۳۷۹)

عذر خواهی خداوند و معصومان به دلیل عدل و حکمت خداوند و نیز عصمت معصومان ﷺ

در بادی امر شگفت می‌نماید، زیرا عذرخواهی در برابر خطا و کوتاهی معنی می‌یابد، از همین روی درباره عذرخواهی خداوند باید گفت که متکلمان اسلامی با اذعان به وجود المها و مصیبت‌ها و انواع ضرر و زیانهای مادی و جسمی و روحی در جهان کنونی - که آن‌ها را «شر» تعبیر می‌کنند - تلاش نموده‌اند که با طرح اصل «عوض» و «انتصاف» سازگاری شرور را با صفات کمالی الهی، مانند عدالت و حکمت اثبات کنند. ایشان به این منظور شرور و آلام جهان را به سه دسته ذیل تقسیم می‌کنند:

۱- آلام و شروری که خود انسان مسؤول به وجود آمدن آن‌ها می‌باشد، مثل آن که شخصی باتوجه کامل دست خود را می‌سوزاند یا جرح و ضرری به خود وارد می‌نماید. موافقان و مخالفان در این نوع شرور مناقشه و مخالفتی ندارند و ایرادی بر دین و آموزه‌های آن نمی‌شود.

۲- آلام و شروری که توسط دیگر انسانها که مخلوق خداوند هستند و با قدرت و تمکین او در حق دیگران انجام می‌گیرد، مثلاً ظالمی به انسان دیگر جراحات وارد می‌کند، یا اموال او را غصب می‌کند یا عامل کشتار دیگران می‌شود.

در این قسم از شرور و آلام، متکلمان بر این باورند که: گرچه خود انسان مسؤول مستقیم این همه المها و مصیبت‌ها می‌باشد، اما چون این جنایتها با تمکین و قدرت خداوند صورت گرفته، بناچار خداوند نیز مسؤول شناخته می‌شود، لذا باید داد مظلوم را از ظالم بستاند، خداوند عادل نیز یا در همین دنیا از مظلوم حمایت نموده و ظالم را به قهر خویش مبتلا می‌کند، یا آن که آن را به روز رستاخیز حواله می‌دهد، که از آن به اصل «انتصاف» تعبیر می‌شود، چنان که سید مرتضی گفته است: «خداوند متعال بخاطر تمکین آلام و مضار ضامن انتصاف است.» (علم الهدی، ۱۴۱: ۲۴۲)

۳- المها و مصیبت‌هایی که از قوانین طبیعت ناشی شده و به خداوند مستند می‌باشند، مثل آن که کسی در اثر زمین لرزه یا طوفان و دیگر سوانح طبیعی جان خود را از دست داده یا دچار جراحات و آلامی می‌شود، یا آن که خداوند به عللی، مانند: امتحان، بلایا و مصیبت‌هایی بر انسان‌ها وارد می‌کند.

در این قسم از شرور و آلام که واسطه‌ای بین الم و خداوند نیست، متکلمان اسلامی به طریق اولی قایل به جبران هستند و بر این باورند که خداوند باید در مقابل این همه دردها و آلامی که متوجه انسانها می‌شود، در دنیا یا آخرت به اندازه‌ای جزا و پاداش اعطا کند تا آن آلام جبران شوند. در اصطلاح کلامی از این اصل به «عوض» یا «اعواض» تعبیر شده است (حلی علامه، ۱۴۰۷: ۳۳۲).

با توجه به آنچه گذشت عذرخواهی خداوند به معنای دادن عوض، جبران نمودن، انتصاف (انتقام گرفتن) می‌باشد، که با کاربرد عذرخواهی در مورد مردم متفاوت است.

درباره عذرخواهی معصومان علیهم‌السلام نیز باید گفت که با توجه به امکان ترک اولی از

معصومان علیهم‌السلام عذر خواهی معصومان علیهم‌السلام به خاطر آن موجه خواهد بود، بدیهی است که عذرخواهی به این معنی با عصمت معصومان علیهم‌السلام منافات ندارد.

پرهیز از آنچه که موجب عذر خواهی شود

با وجود توصیه اسلام به پذیرش عذر خطاکار و نیز تشویق آن به عذرخواهی، اسلام از انجام کارهایی که موجب عذر خواهی شود نهی نموده که به نوعی در پایداری زندگی اجتماعی نقش بسزا دارد، چنان که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «زنهار از کاری که به سبب آن پوزش بخواهی؛ زیرا در آن شرک پنهان، است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸/۲۰۰) و نیز علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «نیاز نیافتن به عذر خواهی، عزت بخش‌تر و آبرومندانه‌تر از عذر خواهی موجه است.» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: حکمت ۳۲۶) و نیز امام حسین علیه‌السلام فرموده‌اند: «زنهار از کاری که از آن پوزش بخواهی؛ زیرا مؤمن نه بدی می‌کند و نه پوزش می‌خواهد و منافق هر روز بدی می‌کند و پوزش می‌طلبد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸/۱۲۰) همچنین امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «مناسب نیست که شخص با ایمان خود را خوار سازد. راوی پرسید: با چه کار خود را خوار می‌سازد؟ امام فرمود: کاری که به عذرخواهی بیانجامد، انجام نمی‌دهد.» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۴۴)

ضرورت عذر خواهی در هنگام ارتکاب خطا

انسان معصوم نبوده و ممکن است از وی خطا و اشتباهی سرزند، از این رو باید عذر خواهی را در خود تقویت کند، زیرا عذر خواهی محصول تواضع و بیداری و پشیمانی است. گاهی غرور مانع از عذر خواهی خطاکار می‌گردد، از همین روی امام صادق علیه‌السلام در نکوهش غرور فرموده‌اند: «داخل بهشت نمی‌شود، کسی که در قلبش ذره‌ای از کبر و غرور باشد» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۳۷۵)

گاهی خطاکار با تصور آن که عذرخواهی موجب خواری وی می‌گردد از عذر خواهی سرباز می‌زند، و حال آن که عذر خواهی از خطا، نه تنها سبب خواری و خفت نیست بلکه با انجام آن شخص دوباره روحیه خویش را باز می‌یابد و از پیامدهای زیانبار خطا و اشتباه و حتی گناهی جلوگیری می‌کند. بر خلاف عذر خواهی بدون دلیل، که سودی ندارد و بر گناهان می‌افزاید (خوانساری، ۱۳۷۳: ۴/۵۹۱) عذر خواهی و بخشش بجا و با شرایط لازم باعث رفع بسیاری از مشکلات جامعه و کاهش تنش‌ها و چالش‌ها و سبب صلح و آشتی و در نتیجه پایداری زندگی اجتماعی می‌شود.

در زندگی کمتر کسی یافت می‌شود که حقی از او ضایع نشده و یا دیگران حرمت او را نشکسته باشند، با این وجود چنان که فردی مرتکب خطایی شد در صورت امکان باید از لغزش وی چشم پوشی شود، زیرا چشم پوشی از خطاهای دیگران، نمونه‌ای از اخلاق نیک و بزرگی

روح بوده که از خداوند الگو گرفته شده و توجه انسان به عفو الهی موجب چشم پوشی از خطای دیگران و گام نهادن جای پای پیامبران و اولیای خدا می‌شود، از همین رو علی علیه السلام فرموده اند: «چه بزرگ است کار کسی که جای پای پیامبران گام می‌نهد.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۶۰).

بخشش بستر تکامل آدمی و راه خشنودی و قرب به خداست و در اغلب موارد عفو و گذشت تاثیر بیشتری در اصلاح فرد داشته و سبب هدایت است، از همین روی پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: «اینکه خدا به دست تو شخصی را هدایت کند از همه چیز هایی که خورشید بر آن طلوع و غروب کند بهتر است» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

از دیدگاه اسلام پذیرفتن عذر عذرخواه پرتوی از اخلاق خداست و اسامی چون تواب و عفو و غفور و مانند آن‌ها برای خداوند به این فضیلت نیکو اشاره دارد، از همین رو نپذیرفتن عذرخواهی دیگران دور از شان و اخلاق اسلامی انسانی می‌باشد، زیرا خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله را، به بخشش و مدارا با مردم فرمان داده (آل عمران: ۱۵۹) و در روایات، بخشش از عادات بزرگان بشمار آمده است (خوانساری، ۱۳۷۳: ۴/ ۳۵۴). همچنین علی علیه السلام خردمندترین مردم را عذر پذیرترین آن‌ها دانسته و از شیعیان خواسته اند که بسیار پوزش پذیر باشند و عذر برادر دینی خود را پذیرفته و در صورتی که عذری نداشته باشد برایش عذری بتراشند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/ ۱۰۰) و نیز فرموده اند: «اگر برادرت از تو گسست، تو خود را به او پیوند ده، و اگر از تو دوری کرد با او مهربان باش و به او نزدیک شو و اگر گناهی کرد، عذرش را بپذیر؛ چندان که گویی تو غلام او هستی و او مولای توست.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۳۱) ایشان بخشش را از بهترین خوبی‌ها (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۵) و نمونه عالی بردباری دانسته (خوانساری، ۱۳۷۳: ۶/ ۳۵۲) و اشاره نموده‌اند که بردبار کسی است که هنگام توانایی عفو کند (همان: ۵/ ۹۱) و بدترین مردم کسی است که از لغزشها نگذرد و عیب‌ها را نپوشاند (همان: ۴/ ۱۷۵).

در حدیث نبوی وارد است که از برای مومن بر یکدیگر سی حق است، از جمله: اگر گناهی در حق او از برادر مؤمنش سر بزند، یا تقصیری از او صادر شود از او بگذرد و اگر از او عذرخواهی کند عذر او را بپذیر (مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۶۷/ ۳۳۶).

حفظ شخصیت عذرخواه در گرو پذیرش عذرخواهی وی است، زیرا ممکن است روزی ما نیز در همین شرایط قرار گرفته و به بخشش نیاز داشته باشیم، از این رو انسانی که توقع دارد که از لغزش های وی چشم پوشی شود، باید خود نیز خطای دیگران را ببخشد (نور: ۲۲). علی علیه السلام در توصیه به مالک اشتر فرموده اند: «..... همان گونه که دوست داری خداوند تو را ببخشد و از خطاهایت درگذرد، تو نیز آنان را ببخش و از خطاهایشان درگذر» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳) و نیز فرموده اند: «زشت ترین عیب‌ها اندک بودن عفو و گذشت و بزرگترین گناه شتاب در انتقام گرفتن از دیگران است.» (خوانساری، ۱۳۷۳: ۷/ ۲۵۳) از سویی در روایات آمده: «برای انسان عاقل

بخشش شدیدتر از اجرای مجازات است» (حرانی، ۱۴۰۴: ۸۳).

معصومان علیهم‌السلام علاوه بر تشویق‌های گفتاری به پذیرش عذر دیگران، عذر دیگران را پذیرفته و در مواردی افراد خطاکار عذرخواه را دلداری داده اند، چنان که گفته شده: دخل الرضا علیه‌السلام الحمام، فقال له بعض الناس: دلکنی فجعل یدلکه فعرفوه فجعل الرجل یستعذر منه و هو یطیب قلبه و یدلکه: امام رضا علیه‌السلام داخل حمام شد، یکی از آنهایی که امام را نمی‌شناخت به حضرت گفت: پشت مرا کیسه بکش، حضرت رضا علیه‌السلام بدون معطلی کیسه را گرفت و شروع کرد به کیسه کردن آن مرد. در این هنگام بعضی امام را شناختند و به آن شخص معرفی کردند که این آقا، امام رضا است. آن مرد ناراحت شد و شروع کرد از امام عذرخواهی کردن. آقا ببخشید، جسارت شد. ولی امام علیه‌السلام او را دلداری می‌داد و با او سخن می‌گفت. و پشت او را کاملاً کیسه کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/ ۳۶۲).

نقش عذر خواهی و پذیرش عذر در آرامش روان

آرامش روان افراد جامعه در پایداری زندگی اجتماعی نقش بسزا دارد، زیرا از یک سو موجب آرامش کسی که عذر خواهی می‌کند شده و از سویی آرامش فردی که از وی عذر خواهی می‌شود را به دنبال دارد. گرچه وجود خشم در انسان ضروری است، اما افراط در آن زیان‌آور است، از همین روی در روایات از آن به عنوان کلید همه بدی‌ها تعبیر شده، چنان که امام صادق علیه‌السلام فرموده اند: «الغضب مفتاح کل شر». (صديق قمی، ۱۳۶۲ش: ۷/۱)، زیرا غضب بر ارکان وجود انسان استیلا یافته و سر تا پای وجودش را در حصار کشیده و موجب آن می‌شود که روح حالت عصیان و سرکشی بخود گرفته و میدان تاخت و تاز این صفت ناستوده بی‌مانع می‌شود، چه آن که حجاب «خشم» دیده عقل را بسته و قوه ادراک و تمیز را از وی سلب می‌کند، شخص خشمگین گاهی چنان دچار هیجان شدید می‌شود که در چهره حیوانی بی‌ادراک خودنمایی کرده و واقع بینی و احساس خود را از دست می‌دهد.

اگر افراد بر اثر تعالی نفس دریابند که در عفو و بخشش و پذیرش عذر دیگران لذتی است که در انتقام نیست، با کمال میل و رغبت از خوی انسانی مزبور استقبال نموده و خویشان را از صفت سبانه انتقام بر حذر می‌دارند. اگر به خوبی درک کنند که تسکین آلام دردمندان و شاد کردن دل‌های شکسته یتیمان، بیش از جمع مال لذت دارد، با گشاده رویی به این روش انسانی می‌گیرند و قسمتی از ثروت خود را در راه دگر دوستی و برای جلب لذت معنوی صرف می‌کنند. (فلسفی، ۱۳۷۸: ۲/ ۷۴).

حس انتقام افق زندگی را تیره و تار می‌کند و پایداری زندگی اجتماعی را به خطر می‌اندازد. این حس شوم غالباً همراه غضب است اگر ما بخواهیم در برابر هر بدرفتاری که می‌بینیم مقابله به مثل کنیم و با جریحه‌دار ساختن جسم و روح دیگران حس «انتقام» خود را تسکین بخشیم بطور

کلی زندگی ما صرف نزاع و کشمکش شده و زد و خوردها در دایره تسلسل قرار خواهد گرفت. پذیرش عذرخواهی و خطای دیگران و بخشش آن‌ها زندگی را برای پذیرنده عذر و در نتیجه برای جامعه لذت بخش می‌کند، از همین روی علی علیه السلام کینه و عدم گذشت را مایه لذت نبردن از زندگی دانسته‌اند (خوانساری، ۱۳۷۳: ۳/۳۳۷).

اهمیت پذیرش عذر دیگران و نقش آن در آرامش انسان تا جایی است که در روایات آمده: «اطلب لاختیک عذرا فان لم تجد له عذرا فالتمس له عذرا به برادرت [در مورد عملی که مشاهده می‌کنی] عذری (و راه اعتذاری) جست‌وجو کن، پس اگر عذری نمی‌یابی باز هم [از پیش خود] برایش عذری درست کن.» (صدوق قمی، ۱۳۶۲: ۲/۶۲۲) تحلیل روان‌شناختی چنین فرآیندی این است که در حقیقت باورهای ایمانی دو کارکرد را موجب می‌شود: نخست آنکه با ایجاد احتمالات متعدد، پردازش در بین احتمالات متعدد باشد و در اینجا ناظر عمل متقاعد می‌شود که احتمالات دیگر را بپذیرد. دوم این که تا یقین به چگونگی اعمال دیگران برای ما حاصل نشده است، به شنیده‌ها و شایعات و نیز احتمالات و گمان‌های بد نسبت به دیگران نباید اعتنا کرد یعنی ذهن خود را عادت دهیم اموری را که به آن‌ها اطمینان نداریم اصلاً دنبال نکنیم (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴: ۳۵۰). پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «عفو و گذشت سبب سلامت روح و آرامش جان و طول عمر خواهد شد.» (ری شهری، ۱۳۷۵: ۳/۲۰۱۳).

عذرخواهی در اشتباهات علمی

افراد جامعه اسلامی در مسائل علمی با عنوان «معلم»، «متعلم» و «عالم» در ارتباط هستند، رعایت آداب دانش‌اندوزی در پایداری زندگی اجتماعی معلم و متعلم و عالم نقش بسزا دارد. از جمله آداب دانش‌اندوزی آن است که فردی که برداشت و نقطه نظر اشتباهی در مباحث علمی داشته ضمن عذرخواهی از طرف مقابل که دیدگاه درستی داشته صحت دیدگاه وی و غلط بودن دیدگاه خودش را مورد تأیید قرار دهد، چنان که فیض کاشانی درباره یک مسأله علمی، با استادش ملا خلیل قزوینی از علمای بزرگ شیعه مناظره و مباحثه کرده و نظر فیض و ملاخلیل مختلف بوده و هر یک سعی داشتند رأی خود را اثبات کنند؛ در نهایت قزوینی، فیض را تخطئه کرده، رأی خودش را صحیح دانست، اما چند روز بعد، متوجه شد که سخن شاگردش فیض صحیح بوده و خودش اشتباه می‌کرده است. از این‌رو برای عذرخواهی از قزوین پیاده به کاشان آمد و هنگامی که به در منزل او رسید از بیرون منزل فریاد زد: یا محسن قد اتاک المسیء. پس از دیدار و سلام و تعارفات معموله، به فیض گفت: در آن مسأله حق با شما بوده و من اشتباه می‌کردم. ملاخلیل پس از عذرخواهی از فیض بلافاصله به طرف قزوین به راه افتاد، و هرچه فیض اصرار کرد چند لحظه‌ای استراحت کنید، قبول نکرد و گفت: من فقط برای اعلام اشتباه خودم این راه طولانی را طی کردم و منظوری جز این نداشتم (قمی، ۱۳۲۶: ۱۷۳).

مشابه این داستان در باره علامه مجلسی و یکی از فقهای کربلا (تنکابی، ۱۳۶۴: ۲۰۸) و نیز فیض کاشانی و محمد طاهر قمی که برای عذر خواهی از فیض کاشانی با پای پیاده از قم راهی کاشان شده (نقیبی، ۱۳۸۷: ۳۵) بیان شده است.

عناوین مرتبط با پذیرش عذر

پذیرش عذر دیگران علاوه بر آن که با واژه «اعتذار» و هم خانواده های آن مورد تشویق قرار گرفته با عناوین چندی که به معنای بخشش هستند مورد تأکید و توصیه قرار گرفته که به نوعی در پایداری زندگی اجتماعی نقش بسزا دارند و به شکل ذیل مورد بررسی و اشاره قرار می‌گیرند:

۱- **عفو:** عفو عبارت است از ترک انتقام، اعم از آن که با کینه و حقد قلب بر بدکار همراه باشد یا نباشد (گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۳/۳) و اصل و ریشه آن به معنی محو و نابودی است (ابن منظور مصری، ۱۴۱۴: ۱۵/۷۲) و در قرآن کریم به معنای نگرفتن انتقام از خطاکار است؛ یعنی عفو زیرمجموعه احسان و عطایی است که فرد بخشنده به خطاکار می‌دهد. بخشش از فضل و فضیلت ناشی می‌شود (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱/۳۹). و عبارت بخش چهل و نهم دعای جوشن کبیر که می‌فرماید: «یا من عفوهُ فضل» (قمی، ۱۳۵۹: ۹۳) دیدگاه مزبور را تأیید می‌کند.

امام صادق علیه السلام در تعریف عفو فرموده‌اند: «عفو کردن و از تقصیر گذشتن با وجود قدرت بر انتقام، طریقه پیامبران و متقیان است و معنی عفو آن است که هر گاه از کسی جرمی و تقصیری نسبت به تو واقع شود، پی او نیروی و به او اظهار نکنی و از ظاهر و باطن فراموش کنی و احسان را به او زیاده‌تر از پیش کنی» (گیلانی، ۱۳۴۳: ۱/۱۵۸).

عفو با عذرخواهی و عدم عذر خواهی خطاکار قابل جمع است، یعنی ممکن است پس از آن که خطاکار عذر خواهی کند، صاحب حق او را ببخشد. ممکن است بخشش خطاکار بدون عذر خواهی وی انجام شود.

۲- **صفح:** به معنای روی گرداندن و اعراض کردن از چیزی و در گذشتن از گناه و خطای کسی آمده ﴿فَأَصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ (حجر: ۸۵) در تفسیر آیه فوق آمده است که: «منظور، عفو کردن بدون سرزنش است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۱۲۸) در این باره مفسرین گفته‌اند: در این جا خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله امر کرده است که از گناهان مردم صرف نظر کند و آن‌ها را به بخششی زیبا ببخشد و این بخشش به گونه ای باشد که حتی مجرمان احساس ملامت و سرزنش هم نکنند. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسند: «... صفح به معنای ترک مؤاخذه است، مانند عفو، اما از عفو بلیغ‌تر و رساتر است، لذا در قرآن کریم هر دو، کنار هم آمده...» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۲۸۰). صفح یعنی از اشتباهات کسی بگذریم بدون آن که ملامتش کنیم بلکه با احسان نیز با او برخورد کنیم. لذا صفح کرامت والاتری است و عفو اولیاء خدا به صورت صفح

است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۹).

۳- **غفران:** از ماده‌ی «غفر» بوده و در لغت به معنی پوشیدن چیزی که انسان را از زشتی حفظ می‌کند (همان) بر اساس این معنی، غفران به معنای پوشاندن عیب دیگران می‌باشد.

غفران، مرحله‌ی بالاتر از عفو و صفح بوده و خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ و اگر ببخشید و در گذرید و بیامرزید، به راستی خداوند آمرزنده‌ی مهربان است. (تغابن: ۱۴) در آیه ﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ بایستی عفو کنند و در گذرند آیا نمی‌خواهید که خدا شما را مورد غفران و عفو و بخشش قرار دهد. (نور: ۲۲) نیز از عفو و صفح سخن به میان آمده است.

با توجه به مفهوم لغوی کلمات عفو (صرفنظر کردن از مجازات است)، صفح (گذشت و ترک هر گونه سرزنش) و غفران (پوشاندن خطا و محو کردن اثر آن) و پشت سر هم آمدن این سه کلمه در آیه مذکور سلسله مراتب بخشش خطا را بیان می‌کند. البته درجه بالاتر از این هم در قرآن مجید مطرح شده که عبارت است از: پاسخ بدی را با نیکی دادن؛ آن‌جا که می‌فرماید: ﴿أَدْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ بدی را با خوبی دفع کن. (مؤمنون: ۹۶ و فصلت: ۳۴) و تنها کسانی به این مرحله می‌رسند که دارای صبر و استقامت‌اند و بهره‌عظیمی از ایمان و تقوا دارند (فصلت: ۳۵)

در آیه ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينِ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ کسانی که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد» (آل عمران: ۱۳۴) «الناس» به تنهایی و مطلق آمده و هر انسانی اعم از زن و مرد، مسلمان و غیر مسلمان را شامل می‌شود، از سویی در ﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ ایمان داشتن خطار کار شرط نشده است، از این رو می‌توان گفت این توصیه تنها شامل مسلمانان نیست و همه‌ی انسان‌ها از هر قوم و ملیتی را شامل می‌شود، زیرا اسلام دین صلح و آشتی است و غیر مسلمانان هر چند در عقیده و مذهب با مسلمانان تفاوت دارند. اما در «انسانیت» با مسلمانان مشترک بوده و محترم هستند، چنانچه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر فرموده‌اند: «نسبت به آنان حیوان درنده ای مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند، یا همنوع تو، که از ایشان لغزش سر می‌زند و در معرض درد و گرفتاریها قرار دارند و دانسته و ندانسته خلاف می‌کنند. بنابراین، همان گونه که دوست داری خداوند تو را ببخشد و از خطاهایت درگذرد، تو نیز آنان را ببخش و از خطاهایشان درگذر» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳).

در روایات نیز به صور گوناگون بخشش و گذشت توصیه شده، چنان که بخشش در هنگام

قدرت، روش انبیاء و پرهیزگاران دانسته شده است (امام صادق، ۱۹۸۰: ۱۵۸). و امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «ما خانواده ای هستیم که عفو ستمکاران خوی ما است.» (قمی، ۱۴۱۷: ۲۳۸) و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «خداوند بسیار باگذشت است و گذشت را دوست دارد.» (حاکم نیشابوری، بی تا: ۳۸۳/۴)

در روایات از بخشش به عناوینی چون، زکات پیروزی (شریف الرضی، ۱۴۱۴: حکمت ۲۱۱)، زیور قدرت (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۲) و شکرانه‌ی قدرت و پیروزی بر دشمن (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸/۴۲۷) سخن به میان آمده و به کسانی که به هنگام قدرت و پیروزی عفو پیشه کنند و از خطاهای دیگران بگذرند، خداوند وعده گذشت از گناهانشان در روز سختی را داده است (متقی هندی، ۱۳۸۹: ۳/۳۷۳).

آداب عفو و بخشش و پذیرش عذر خطاکار

برای رسیدن به تقوا و پرهیزگاری خداوند دستور داده که در قبول عذر خواهی دیگران، مردم از خود ملائمت و محبت نشان داده و بی آن که دیگران را ملامت کنند از گناهان آن‌ها گذشت کنند، چنان که فرموده: ﴿...فَأَصْفَحَ أَصْفَحَ الْجَمِيلُ﴾ (حجر: ۸۵) بدیهی است که گذشت از خطای دیگران بدون آن که آن‌ها را ملامت کنند و نیز رعایت دیگر آداب عذرخواهی و گذشت در پایداری زندگی اجتماعی نقش بسزا دارد، از همین روی امام سجاد علیه السلام درباره آیه ﴿...فَأَصْفَحَ أَصْفَحَ الْجَمِيلُ﴾ (حجر: ۸۵) فرموده‌اند: «منظور، گذشت بدون سرزنش است. (قمی، ۱۴۱۷: ۲۷۶)

از جمله آداب بخشش و پذیرش عذر خطاکار آن است که بخشش باید به شیوه‌ای باشد که تحقیر و خواری و ذلت خطاکار که مورد عفو و بخشش قرار گرفته، نشده و به دنبال این بخشش منت نباشد، زیرا آن را باطل و بی اثر می‌کند. چنان که خداوند فرموده: ﴿لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ حضرت یوسف علیه السلام به برادرانش گفت: امروز من از شما گذشتم و خودتان را سرزنش نکنید که خدا شما را می‌آمزد زیرا او از همه مهربانتر است.» (یوسف: ۹۲) با توجه به آیه مزبور حضرت یوسف علیه السلام نه تنها برادرانش را مورد توبیخ و سرزنش قرار نمی‌دهد بلکه در اوج بزرگواری از آن‌ها می‌خواهد که خودشان را سرزنش نکنند. علی علیه السلام نیز فرموده‌اند: «هر کس به خاطر احسان نمودنش بر کسی منت بگذارد، اصلاً نیکی نکرده است.» (آمدی، ۱۴۱۰: ۶۶۵)

آثار مثبت عفو و بخشش و پذیرش عذر دیگران

گذشت از خطای دیگران و پذیرش عذر آن‌ها از مصادیق نیکوکاری است و چنانچه به شیوه‌ای آگاهانه انجام بگیرد، آثار مثبت فردی و اجتماعی زیادی در پی داشته و برکت و سازندگی فراوان دنیوی و اخروی را در زندگی به همراه خواهد داشت.

الف- آثار فردی

۱- حصول تقوا: چنان که خداوند فرموده: «اگر شما گذشت کنید، به پرهیزگاری نزدیک‌تر است.» (بقره: ۲۳۷)

۲- طولانی شدن عمر: چنانچه پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «هر که گذشتش زیاد باشد، عمرش دراز شود.» (دیلی، ۱۳۶۶: ۳۱۵)

۳- نجات از عذاب دوزخ و برخورداری از پادش اخروی: چنان که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «از لغزشهای خطاکاران درگذرید، تا بدین سبب خداوند شما را از مقدرات ناگوار و عذاب دوزخ دور گرداند.» (ورام، ۱۴۱۰: ۲/ ۱۲۰) و در روز سختی از گناهانتان بگذرد (متقی هندی، ۱۳۸۹: ۳/ ۳۷۳) علی علیه السلام نیز فرموده‌اند: «گذشت کردن از روی قدرت، سپری است در برابر عذاب خدای سبحان» (خوانساری، ۱۳۷۳: ۱/ ۳۹۸)

پذیرش عذر دیگران و بخشش آن‌ها نشانه پاکی روح و رشد و کمال مقام انسانی بوده و انسانهای با گذشت اهل تقوایند و علاوه بر این که در این جهان از ناراحتی‌های زندگی رنج نمی‌برند، در آخرت نیز مورد آمرزش و لطف (آل عمران: ۱۳۴ و ۱۳۵) و محبت خاص خدا (مائده: ۳) قرار می‌گیرند.

خداوند فرموده: «کسانی که شکیبایی کنند و آن کس را که به او ستم کرده، مورد عفو قرار دهند این از کارهای پر ارزش است و پاداششان نزد خدا محفوظ است.» (شوری: ۴۳) همچنین پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «هر گاه خشمی برای شما پیش آمد، با عفو و گذشت آن را از خود دور کنید، زیرا در روز قیامت منادی ندا می‌دهد: هر که به گردن خدا مزدی دارد، برخیزد و کسی جز بخشایندگان برنخیزند، آیا نشنیده اید که خدای متعال فرمود: «پس هر که گذشت کند و آشتی ورزد، مزدش با خداست (دیلی، ۱۳۶۶: ۳۳۷) و امام علی علیه السلام پاداش انسان با گذشت را غیر قابل سنجش می‌دانند (خوانساری، ۱۳۷۳: ۴/ ۱۸۴) و می‌فرمایند: «در کیفر برای گناه شتاب مکن و بین کیفر و گناه جایی برای گذشت باقی بگذار، با این کار پاداش آخرت و ثواب بدست می‌آوری» (همان: ۳/ ۳۳۰) و در سخنان پیش از شهادتشان فرمودند: «اگر زنده ماندم که صاحب اختیار خون خودم هستم و اگر رفتم، مرگ وعده گاه من است؛ اگر من (زنده بمانم و قاتلم را) ببخشم این گذشت برای من مایه تقرب است و (اگر رفتم و شما او را بخشیدید) این بخشش برای شما ثواب و نیکی است. پس، گذشت کنید. آیا دوست ندارید که خدا شما را ببخشاید؟» (ری شهری، ۱۳۷۵: ۷/ ۴۶۲)

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «روز قیامت خدا اولین و آخرین را در یک بلندی جمع می‌کند. سپس منادی ندا می‌کند که کجایند اهل فضل؟ گروهی برمی‌خیزند، ملائکه می‌گویند: فضل شما چیست؟ می‌گویند: «هرکس از ما دوری می‌کرد ما به او نزدیک می‌شدیم، هرکس ما را محروم می‌کرد ما به او بخشش می‌کردیم و هرکس به ما ظلم می‌کرد او را می‌بخشیدیم فرشتگان

می‌گویند: راست گفتید، داخل بهشت شوید.» (طوسی شیخ، ۱۴۱۴ق: ۱۰۳)

۴- **سلامت روح و آرامش جان:** چنان که پیامبر ﷺ فرموده اند: «عفو و گذشت سبب سلامت روح و آرامش جان و طول عمر خواهد شد (ری شهری، ۱۳۷۵: ۳/۲۰۱۳) بدیهی است که بین طول عمر و سلامت روح و آرامش جان رابطه منطقی وجود دارد.

از جمله دلایل نقش عفو و گذشت و پذیرش عذر در آرامش روان آن است که واقع بینی و داشتن توقعات معقول و متناسب، آرامش روان را به دنبال دارد، از همین روی دکتر روان‌شناسی اشاره نموده که در اواسط جنگ جهانی دوم می‌خواست از شهر خود به شهر دوردستی سفر کند، ولی هر قدر اصرار ورزیده بلیت هواپیما به او نداده و گفته‌اند اولویت با حمل و نقل‌های ارتش است؛ از همین روی وی مجبور شده که با ترن - آن هم ترن درجه سه- سفر کند. دکتر مزبور گفته: «پس از چند دقیقه که روی نیمکت ناراحت‌کننده درجه سه نشستیم؛ فوق‌العاده خشمگین شدم و دیدم ادامه چندین ساعت سفر روی این نیمکت‌های سخت و سفت به شدت عذاب می‌دهد. فوراً این ناراحتی خود را تجزیه و تحلیل کردم؛ کم‌کم از خود پرسیدم: آیا عذاب شدید من واقعا از ناراحتی جاست یا از این است که به من برخورد کرده که چرا پزشک روان‌شناس خدمتگذار محترمی مثل من را آن قدر احترام نگذاشته‌اند که استثنائاً بلیت هواپیمایی در اختیارش بگذارند تا مجبور نشود چندین ساعت از وقت بسیار ذی‌قیمتش را به این طرز تلف کند؟ بعد از این سؤال از خود پرسیدم: آیا واقعا حق دارم چنین توقعی در موقع جنگ داشته باشم؟ یا این که توقع من ناشی از استثنا طلبی احمقانه و خودخواهانه من است؟ فوری فهمیدم که این انتظار، توقعی است بی‌جا؛ زیرا مسلماً موقعی که برادران من، زیر باران گلوله‌اند، البته کارهای مربوط به آن‌ها، مقدم بر هر چیز دیگر باید باشد. به محض این که مطلب به این صورت برایم روشن شد و معتقد شدم نباید به من برخورد، نه تنها از نیمکت سخت و سفت عذاب نکشیدم، بلکه تمام مدت سفر را هم با خواندن کتاب و صحبت با سایر مسافران به خوشی گذراندم و ابداً طول سفر را احساس نکردم؛ در صورتی که نه نیمکت نرم‌تر شده بود، نه مدت سفر کم‌تر.» (موسوی لاری، ۱۳۶۸: ۳۶۸)

۵- **عزت و شرف:** چنان که پیامبر ﷺ فرموده اند «بر شما باد گذشت، زیرا گذشت جز بر عزت بنده نیفزاید. از هم بگذرید تا خدا به شما عزت دهد.» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲/۱۰۸) و نیز فرموده‌اند: «کسی که از خطاهای دیگران درگذرد خداوند جز عزت و شرف چیز دیگری در پرونده اش وارد نمی‌کند.» (متقی هندی، ۱۳۸۹: ۶/۲۹۴) بدیهی است که انسانی که سخت نمی‌گیرد و در عین قدرت از تقصیر دیگران می‌گذرد محبوب جامعه می‌شود.

۶- **پیروزی:** امام رضا علیه السلام فرمودند: «هرگز دو گروه با هم رویاروی نشدند، مگر اینکه باگذشت‌ترین آن‌ها پیروز شد.» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲/۱۰۸)

ب- آثار اجتماعی

۱- بهره‌مندی از برادری و تبدیل کینه و دشمنی به صلح و همدلی: چنان که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «از یکدیگر گذشت کنید تا کینه‌های میان شما از بین برود» (متقی هندی، ۱۳۸۹: ۲۹۴) همچنین علی ؑ فرموده‌اند: «عذر خواهی‌های مردم را بپذیر تا از برادری آنان بهره‌مند شوی، و با روی گشاده دیدارشان کن تا کینه‌هایشان بمیرد.» (خوانساری، ۱۳۷۳: ۲/ ۲۱۵)

۲- دوام حکومت: چنان که پیامبر ﷺ عفو و گذشت زمامدار را موجب پایداری حکومتش دانسته و فرموده‌اند: «عفو الملك عقال الملك: گذشت زمامدار سبب پابرجا شدن حکومت است.» (حویزی، ۱۴۱۵: ۴/ ۲۱۰) و نیز فرموده‌اند: «عفو الملك أبقي للملك: گذشت زمامدار حکومت را پابرجاتر می‌کند.» (صدوق قمی، ۱۴۰۴: ۴/ ۳۸۱)

۳- برخورداری از شیرینی عفو و لذت آن: در عفو لذتی است که در انتقام نیست، از زیبایی‌های بسیار مهم اخلاقی، چشم‌پوشی از ستم قابل‌گذشتی است که کسی از روی جهل و تعصب و کینه و خشم و حسادت و تنگ‌نظری به انسان روا داشته است. بی‌تردید هر انسانی در معرض کینه و خشم و تنگ‌نظری و حسد خویشان و آشنایان و دیگر مردمان است. اگر بخواهد انتقام بگیرد، زیان و ضررش از ستمی که دیده بیشتر است، زیرا باید گناهی، مانند گناه ستم‌کنندگان انجام دهد تا آرام شود، ولی اگر گذشت کند، هم لذت برده و هم خشنودی خدای متعال را جلب کرده و هم به پاداش بزرگ دست یافته و هم از ضرر و زیان انتقام که محصول تلخ کینه و خشم است در امان مانده است و به عزت نیز می‌رسد.

با توجه به اثرات مثبت و فراوان عفو و بخشش، از تردید و دودلی در عفو و گذشت و پذیرش عذر خطاکار منطقی نیست، از همین رو امام باقر ؑ فرموده‌اند: «پشیمانی از گذشت، برتر و آسانتر از پشیمانی حاصل از کیفر دادن است» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۰۸).

۴- پایداری زندگی اجتماعی: همان گونه که در تعریف پایداری زندگی اجتماعی و اهمیت آن گذشت، پایداری زندگی اجتماعی موجب رضایتمندی افراد از زندگی و لذت بردن و سازگاری است. بدیهی است که عفو و بخشش در این امر بسیار راهگشا می‌باشد.

آثار منفی خودداری از عفو و بخشش خطاکار و نپذیرفتن عذر وی

۱- محروم شدن از آثار مثبت عفو و پذیرش عذر خطاکار

کسی که گذشت نمی‌کند از تمامی آثار مثبت بخشش محروم می‌شود، زیرا گذشت نکردن در هنگام قدرت بر انتقام، عملی زشت و ناپسند دانسته شده، چنان که امام صادق ؑ فرموده‌اند: «چه زشت است انتقام‌گیری قدرتمندان» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۵۹).

۲- کوچک شدن فردی که از عفو و پذیرش عذر دیگران خودداری می‌کند

انتقام گرفتن با وجود امکان گذشت و پذیرش عذر و موجه بودن آن موجب آن می‌شود که انتقام گیرنده ارزش خود را از دست داده و در نزد افکار عمومی کوچک شود، چنان که علی علیه السلام فرموده‌اند: «سیادت و بزرگی، با انتقام‌جویی، ناسازگار است.» (خوانساری، ۱۳۷۳: ۳۵۹/۶).

۳- از دست دادن آمرزش و غفران خداوند

فردی که از عفو دیگران چشم می‌پوشد و عذر خطاکار را نمی‌پذیرد، غفران و بخشش خداوند را از دست می‌دهد، چنان که علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر فرموده‌اند: «...همان گونه که عفو خدا را انتظار داری، از خطای مردم بگذر مردم را مورد عفو قرار ده و از گناهانشان در گذر، چنان که دوست داری خدا بر تو ببخشد و از گناهانت در گذرد...» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳) مفهوم مخالف این سخن حضرت آن است که کسی که از خطاهای دیگری نمی‌گذرد و عذرشان را نمی‌پذیرد نباید از خداوند نیز چنین توفعی داشته باشد.

۴- از دست دادن شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

گذشت نکردن و نپذیرفتن عذر خطاکار موجب محرومیت از شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، چنان که امام حسین علیه السلام فرموده‌اند: «اگر مردی در این گوشم (اشاره به گوش راست) مرا دشنام دهد و در گوش دیگرم (اشاره به سمت چپ) از من پوزش بخواهد، عذر او را می‌پذیرم، زیرا که امیرالمؤمنین علیه السلام برایم از رسول الله نقل کرده: هر حوض کوثر وارد نمی‌شود کسی که پوزش مردم را قبول نکند. اعم از اینکه عذرش موجه باشد یا غیرموجه و به شفاعت من نمی‌رسد.» (دشتی، بی تا: ۲۹۱)

۵- به خطر افتادن پایداری زندگی اجتماعی

با توجه به اهمیت اسلام به پایداری زندگی اجتماعی و احساس رضایت به زندگی، عفو و گذشت و نیز پذیرش عذر خطاکار و معذرت خواهی وی در پایداری زندگی اجتماعی، از جمله در خانواده نقش بسزا دارد و استحکام بنیان های اجتماعی، از جمله خانواده را موجب می‌شود، بدیهی است که خودداری از عفو و بخشش و پذیرش عذر دیگران و خودداری از عذر خواهی، پایداری زندگی اجتماعی را به خطر می‌اندازد.

در توضیح بیشتر می‌توان گفت بعضی از افراد به علت فقدان بلوغ اجتماعی و نداشتن رشد لازم برای هم زیستی، خیلی حساس و زودرنج هستند و در عالم دوستی و همنشینی کم گذشت و سختگیرند، از همین رو کوچک‌ترین خلاف انتظاری را نمی‌بخشند و با دیدن یک غفلت و اشتباه از دوستان و دیگر افراد جامعه، تسلیم احساسات خام و سوزان شده و دست از تفاهم با آنها می‌شویند و با کدورت و رنجش خاطر عمیق، پیوند مهر و علاقه خود را می‌برند و حال آنکه در زندگی، روشنایی و تاریکی، خار و گل و زشت و زیبا همواره در کنار یکدیگر قرار دارند و از آغاز زندگی اجتماعی، باید روش هرکس متکی به آداب ظاهری مطبوع و اصول معنوی متقن باشد و بیاموزد که

ناموس حیات اجتماعی بر این پایه استوار است که در برابر استفاده از مزایایی چند، ضرورت دارد ناملایمات و خلاف انتظارات را تا حدودی تحمل کند و در عین حال از توقعات بی جا و تعقیب رؤیاهای بیهوده احتراز جوید و هنر زندگی همین است که بتوانیم حتی المقدور حالت انعطاف در برابر توقعات خویش به وجود آوریم؛ چه در بسیاری از موارد، صلح و سازش پایدار، جز از این راه به دست نمی آید و مهر و صمیمیت بسط و گسترش نمی یابد (موسوی لاری، ۱۳۷۶: ۳۶۸).

حد و مرز عفو و بخشش

اسلام دین رحمت و رأفت است و به عفو، گذشت نموده است، چه بسا اگر عفو با شیوهی درست صورت گیرد، چراغ هدایت دیگران شده و موجب جلب محبت دل هایشان گردد، چنانکه صادر کردن فرمان عفو عمومی در روز فتح مکه چنین پیامدی داشت و موجب آن شد که مردم دسته دسته به اسلام بگریند. ﴿وَرَأَيْتَ الْإِنْسَانَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾ (نصر: ۲) و پیامبر ﷺ فرمودند: «امروز روز رحمت و بخشش است.» (ابن ابی الحدید، ۱۳۰۴: ۱۷/ ۲۷۲)

با وجود آنچه گذشت در مواردی عفو و بخشش موجب به خطر افتادن پایداری زندگی اجتماعی شده و از همین رو مطلوب نیست، از جمله آن موارد عبارتند از:

۱. در پی داشتن مفاسد اجتماعی

در برخی موارد، گذشت زیان بار بوده و مفاسد اجتماعی را در پی دارد و اسلام در مقابله با مفاسد اجتماعی در هر زمینه ای با عاملان آن به شدت مقابله می کند، چنان که خداوند به منافقین و شایعه پردازان هشدار شدید داده و به پیامبر ﷺ امر فرموده که در صورت ادامه ی کارهایشان، برخورد سخت و دور از تسامح صورت گیرد. (احزاب: ۶۰) همچنین علی ؑ فرموده اند: «نیکی ها را به نیکی پاداش ده و از بدی ها صرف نظر کن مادام که لطمه ای بر دین یا سستی بر حکومت اسلامی وارد نمی کند.» (خوانساری، ۱۳۷۳: ۳/ ۳۷۳) و نیز فرموده اند: «(بدی یا خوبی را) به نیکی پاداش ده و از بدی در گذر، به شرط آن که به دین لطمه ای نزنند یا در قدرت اسلام ضعیفی پدید نیآورد (همان).

۲. موارد حق الناس

عفو در اموری است که به خود شخص مربوط باشد، از این رو در امور مربوط به حق الناس، گذشت بی مورد بوده و نسبت به آن سختگیری شده است، چنان که خداوند فرموده: «کسانی که از مؤمنانی که به میل خود صدقات (مستحبی) می دهند، عیب جوئی می کنند و کسانی را که (در اتفاق) جز به اندازه ی توانشان نمی یابند، مسخره می کنند، (بدانند که) خداوند آنان را به ریشخند می گیرد و برایشان عذابی دردآور خواهد بود» (توبه: ۷۹) طبق این آیه منافقان گروهی را تحت عنوان ریاکاری عیججویی و گروهی را به عنوان کم کاری مسخره و تخطئه می نمودند، از همین رو خداوند اعلام فرموده که هر نوع مسخره و استهزاء و شوخی آنان به اهل ایمان جواب خواهد

داد و در آیه بعد، تأکید بیشتری روی مجازات آن‌ها نموده و فرموده است: «چه برای آن‌ها استغفار کنی و چه نکنی، حتی اگر هفتاد بار برای آن‌ها از خداوند طلب آمرزش نمائی، هرگز خدا آن‌ها را نمی‌بخشد» (توبه: ۸۰)

۳. موارد اجرای حد

موارد اجرای حد از عفو استثناء شده‌اند، زیرا اجرای حد برای حفظ جامعه از انحرافات و کژی‌ها، و جلوگیری از گسترش فساد و ناپاکی در اجتماع می‌باشد، از همین رو عفو به جرم‌هایی محدود شده که مشمول حد شرعی و قصاص نباشد. تا مبدا زمینه گسترش فساد و فحشا در جامعه فراهم شود. چنان که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «تَجَاوَزُوا عَنِ الذَّنْبِ مَا لَمْ يَكُنْ حُدًّا؛ از گناه تا زمانی که مستوجب حد نباشد، در گذرید» (ورام، ۱۴۱۰ق: ۲/ ۱۲۰)

۴. شخص فرومایه

از عفو و بخشش شخص فرومایه نهی شده، زیرا وی را جسورتر نموده و در ارتکاب خطا خشنود می‌سازد، چنان که علی ؑ فرموده‌اند: «عفو و گذشت به همان اندازه که در اصلاح شخص بزرگوار مؤثر است شخص فرومایه را تباه می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴/ ۷۴).

۵. سبب جرأت و جسارت و سوء استفاده شدن بخشش و عفو

اگر بخشش و عفو سبب جرأت و جسارت و سوء استفاده شده و به حال ستم دیده، مضر باشد، گذشت بی مورد خواهد بود، چنان که علی ؑ فرموده‌اند: «حق کسی که به تو بدی کرده، آن است که از او بگذری، ولی اگر عفو او را مضر دانستی، می‌توانی او را عقوبت کنی» (همان: ۹/ ۷۴) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۱/ ۱۲۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/ ۵۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/ ۱۸۸)

عذر خواهی‌های نابجا

علی رغم مطلوب بودن عذر خواهی و تشویق و ترغیب زیاد به آن، در مواردی عذر خواهی نابجا و بی مورد می‌باشد، از همین رو علی ؑ فرموده‌اند: «نیاز نیافتن به عذر خواهی از پوزش خواهی موجه عزت بخش‌تر است.» (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۹) از جمله موارد ناموجه بودن عذر خواهی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- عذر خواهی از انجام کار خوب

معمولاً افرادی که در موضع قدرت هستند، بسیاری از رفتارهای خلاف توقع خود که از دیگران صادر می‌شود را، جرم پنداشته و اصرار دارند که تمام متهمان، «عذرخواهی» کنند و حال آن که تنها برای انجام کاری که عقلاً و شرعاً بد می‌باشد، عذر خواهی صورت می‌گیرد، از همین رو عذر خواهی برای انجام کار خوب بی معناست، چنان که علی ؑ فرموده‌اند: «إِياک و ما تعتذر منه فأنه لا يعتذر من خیر: عملی که بخواهی از آن عذر خواهی کنی، انجام نده، زیرا کار خیر، عذر خواهی ندارد.» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۲۸) همچنین علی ؑ فرموده‌اند: «من اعتذر من غیر ذنب فقد

اوجب علی نفسه الذنب: کسی که از «گناه نکرده» عذرخواهی می‌کند، آن گناه را بر عهده گرفته است» (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۴۴۷) آقا جمال خوانساری در شرح جمله یاد شده گفته است: «مراد، منع از عذرخواهی‌هاست که گاهی بعضی مردم می‌کنند، بی اینکه گناهی کرده باشند و با این کار اثبات «گناهی بر نفس خود» می‌کنند.» (خوانساری، ۱۳۷۳: ۵/ ۳۹۲)

توقع لزوم عذرخواهی از کار خوب و تکلیف و وظیفه در جایی شکل می‌گیرد که تلاش می‌شود، «خدمت»، «خیانت» معرفی شود، در این صورت منظور از مطالبه عذرخواهی، خطا دانستن اقدامات پسندیده است. در چنین شرایطی، فرد مورد اتهام، حتی اگر حاضر باشد از آبروی خود صرف‌نظر کند، حق عذرخواهی ندارد، زیرا عذرخواهی به مفهوم تخطئه اقدامات پسندیده، کاری غیراخلاقی و بلکه «ضد اخلاقی» است، از همین روی علی علیه السلام فرموده اند: «لا تعتذر من أمر أظعت الله سبحانه فيه فکفی بذلک منقبه»: از رفتاری که در مسیر اطاعت خدا انجام داده ای، عذرخواهی مکن که آن کار برای تو افتخاری است.» (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۱۸۲)

با توجه به نادرستی عذرخواهی در برابر کار نیک و تکلیف و وظیفه، علی علیه السلام در برابر زیاده خواهی برخی اصحاب خود که می‌خواستند به بهانه سوابق خود، بر منابع ثروت و قدرت حاکم شوند و از همین روی شورش نمودند، ایستادگی کرده و فرموده اند: «ما أعتذر ممّا فعلتُ و لا أتبرأ ممّا صنعتُ: شیوه ام را تغییر نمی‌دهم و از گذشته ام عذرخواهی نمی‌کنم.» (مفید، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۵۱)

۲- استفاده از عذرخواهی به عنوان اهرم فشار

گاهی، از عذرخواهی به عنوان یک «اهرم فشار» استفاده می‌شود، در این صورت عذرخواهی فاقد ارزش اخلاقی می‌باشد، مثلاً وقتی عثمان حکم تبعید ابوذر به ریزه را صادر کرد و مروان را مأمور اجرای آن نمود، علی علیه السلام بر خلاف دستور عثمان، به مشایعت ابوذر رفت و برادرش عقیل و فرزندان خود را به همراه برد. این اقدام حضرت برای دستگاه خلافت بسیار سنگین و گران بود؛ برخی پا درمیانی کردند تا حضرت از مروان عذرخواهی کند و کدورت رفع شود، حضرت در برابر این پیشنهاد مقاومت نمود و فرمود: اما مروان فلا آتیه و لا اعتذر منه: هرگز به نزد مروان نمی‌روم و از او عذرخواهی نمی‌کنم: (ابن ابی الحدید، ۱۳۰۴: ۸/ ۲۵۵)

همچنین معاویه تلاش می‌کرد تا با حيله های مختلف، یاران علی علیه السلام را وادار به عذرخواهی و گرفتن توبه نامه از گذشته شان کند، از همین روی به محمد بن ابی بکر نوشت که تو از معترضان به عثمان بوده ای، ولی محمد با افتخار از مواضع خود دفاع کرد و گفت: اما بعد فقد آتانی کتابک تذکر من امر عثمان امرا لا اعتذر الیک منه: هیچگاه از آن عذرخواهی نمی‌کنم.» (تقی، ۱۳۹۵: ۱/ ۲۸۰)

۳- عذرخواهی از کسی که فاقد شعور اخلاقی است و برای دیگران حقی قائل نیست

عذرخواهی از کسی اخلاقی است که از درک و شعور اخلاقی برخوردار باشد، از این رو باید از

کسی که ادب و احترام را نمی‌فهمد و در اوج تکبر قرار دارد، عذر خواهی نشود. همچنین عذر خواهی از کسی که برای دیگران حقی قائل نیست و خود را «حق مطلق» می‌پندارد، ناموجه و غیر اخلاقی است، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده اند: «لا تعتذر الی من لا یری لک حقاً» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳ / ۴۱۹)

نتیجه‌گیری

از جمله شروط تحقق پایداری زندگی اجتماعی، عذر خواهی، قبول عذر و بخشش است چرا که اگر همه مردم در گرفتن حقوق خویش دقیق و جدی باشند و از کوچک‌ترین لغزش دیگران چشم‌پوشند، زندگی، بسیار تلخ خواهد شد و روح صفا و صمیمیت به کلی رخت برخواهد بست. اسلام ضمن تأکید بر پایداری زندگی اجتماعی از طرق گوناگون برای پایداری زندگی اجتماعی کوشیده و نگارش کتابهایی، مانند «الف‌نامه»، «مصادقة الاخوان»، «رسائل إخوان الصفا» و نظایر آن‌ها توسط عالمان اسلامی نشانگر آن است که عالمان اسلامی توجه خاص اسلام به پایداری زندگی اجتماعی را درک نموده و در فرهنگ‌سازی آن تلاش نموده‌اند.

گرچه در قرآن مقابله به مثل و قصاص به عنوان یک حق برای مجازات متجاوزان مورد پذیرش قرار گرفته اما احسان و عواطف به عنوان مبنای کمال جامعه انسانی برتری دارد و قرآن به بخشش به عنوان یک معیار اخلاقی نه حقوقی تأکید نموده و بر ارزشمندی آن پا می‌فشارد چرا که انسانهای تربیت یافته در مکتب قرآن، در عین قدرت و ظفرمندی، خطا کار را می‌بخشند تا کینه‌ها را از بین ببرند و در سایه‌ی صلح برادریشان را محکم کند و نزد خالق عزتمند و محبوب شوند.

عذر خواهی خداوند از انسان‌های مؤمن در روز قیامت به دلیل فقر ایشان در دنیا و نیز عذر خواهی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از اصحاب صفة به دلیل کمبود متاع توزیع شده بین آن‌ها نشانگر آن است که عذر خواهی بزرگ و کوچک نمی‌شناسد، از سویی کاربرد کلمه «الناس» در برخی از متون مربوط به عفو و گذشت و پذیرش عذر نشان می‌دهد که مسلمان تنها به پذیرش عذر مسلمان و هم‌دین خود توصیه نشده، بلکه پذیرش عذر غیر مسلمان و عفو وی نیز مطلوب است.

عذر خواهی در صورتی یک فعل اخلاقی و مطلوب است که با آداب و شرایط لازم، همچون منت نگذاشتن و.. صورت گیرد و عذر خواهی بجا باشد، از این رو عذر خواهی از کارهای خوب، عذر خواهی از کسی که برای دیگران حقی قائل نیست و فاقد روحیه ادب و احترام به دیگران است...مطلوب نبوده و یک فعل غیر اخلاقی می‌باشد، همچنین با وجود مطلوب بودن عذر خواهی و پذیرش عذر دیگران، وادار نمودن دیگران به عذر خواهی اخلاقی نیست.

عذر خواهی و پذیرش عذر و بخشش بین کشورها نیز پایداری زندگی اجتماعی بین ملت‌ها را موجب شده و می‌تواند جلو جنگ‌های بیهوده و بی فایده و مضر را بگیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. شریف رضی، محمد بن حسن. (۱۴۱۰ق). نهج البلاغه، قم: مؤسسه نهج البلاغه. چاپ اول.
۳. امام سید الساجدین، علی بن الحسین (ع). (۱۴۱۸ق). صحیفه سجادیه، قم: دفتر نشر الهادی.
۴. امام صادق (ع). محمد بن باقر. (۱۹۸۰م). مصباح الشریعة، منسوب به امام صادق (ع)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول.
۵. آمدی تمیمی، عبد الواحد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، چاپ اول.
۶. آمدی تمیمی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب الاسلامی.
۷. ابن ابی الحدید، عبد الحمید. (۱۳۰۴). شرح نهج البلاغه، ج ۸، ۱۷، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، سید الدین محمد بن علی. (۱۳۷۹). المناقب، ج ۴، قم، نشر علامه.
۹. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). علة الداعی و نجاح الساعی، بیروت، دار الکتاب الاسلامی، چاپ اول.
۱۰. ابن منظور مصری، ابوالفضل جمال الدین. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع. چاپ سوم.
۱۱. بحرانی، هاشم. (۱۴۱۱ق). حلیة الابرار، ج ۱۱، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۲. پورطاهری، مهدی و سجاسی قیداری، حمد الله و صادق، طاهره. (۱۳۸۹). «سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۱.
۱۳. ترمذی مسلمی، محمد بن عیسی. (بی تا). سنن الترمذی، ج ۸، بیروت، دار التراث العربی.
۱۴. تنکابنی، محمد. (۱۳۶۴). قصص العلماء، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
۱۵. ثقفی، ابراهیم بن محمد. (۱۳۹۵). الغارات، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول.
۱۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله. (بی تا). المستدرک، ج ۴، بی جا، بی نا.
۱۷. حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرّسین.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل البيت (ع). چاپ اول.
۱۹. حسینی، سید ابراهیم. (۱۳۸۲). اصل منع توسل به زور و موارد استثنایی آن در اسلام و حقوق بین الملل معاصر، بخش سوم، قم: نشر معارف، چاپ اول.
۲۰. حلی علامه، حسن بن یوسف. (۱۴۰۷ق). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
۲۱. حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، ج ۴، مصحح هاشم رسولی. قم: اسماعیلیان.
۲۲. خوانساری، جمال الدین محمد. (۱۳۷۳). شرح غرر الحکم و درر الحکم، ج ۷-۱، تهران: انتشارات دانشگاه.
۲۳. دشتی، محمد. (بی تا). فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیر المومنین.
۲۴. دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۶). اعلام الدین فی صفات المومنین، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۲۵. راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، دار العلم الدار الشامیه، دمشق بیروت، چاپ اول.
۲۶. ری شهری، محمد. (۱۳۷۵). میزان الحکمه، ج ۳، ۷، قم: دار الحدیث.
۲۷. شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد.

۲۸. صدوق قمی، محمد بن علی. (۱۳۶۲). *الخصال*، ج ۱، ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۹. صدوق قمی، محمد بن علی. (۱۴۰۴). *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۳۰. طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۰، ۱۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات فراهانی.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۵). *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، نجف اشرف، ناشر حیدریه، چاپ دوم.
۳۳. طوسی شیخ، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *الامالی*، قم: دار الثقافة، چاپ اول.
۳۴. عباس نژاد، محسن. (۱۳۸۴). *قرآن روانشناسی و علوم تربیتی*، مشهد، بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۳۵. علم الهدی، علی بن حسین. (۱۴۱۱ق). *الذخیره فی علم الکلام*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۷ق). *المحجّة البیضاء*، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم.
۳۷. فلسفی، محمد تقی. (۱۳۷۸). *جوان از نظر عقل و احساسات*، تهران، دفتر نشر فرهنگ.
۳۸. قمی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق). (۱۴۱۷ق). *الأمالی*، قم: بعثت.
۳۹. قمی، عباس. (۱۳۲۶). *قواعد الرضویة در احوال علماء مذهب جعفریه*، تهران، مرکزی.
۴۰. قمی، عباس. (۱۳۵۹). *کلیات مفاتیح الجنان*، قم: نشر اسوه، چاپ اول.
۴۱. کلینی، محمد یعقوب. (۱۳۸۸ش). *اصول کافی*، ج ۲، تهران: دار الکتاب الاسلامیه.
۴۲. گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق). *بیان السعادة*، ج ۳، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۴۳. گیلانی، ملا عبدالرزاق. (۱۳۴۳ش). *ترجمه و شرح مصباح الشریعه*، ج ۱، تصحیح سید جلال الدین محدث ارموی. تهران: دانشگاه تهران.
۴۴. متقی هندی، علی. (۱۳۸۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، ج ۳، ۶، بیروت: التراث لاسلامی.
۴۵. مجلسی، محمد بن باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، ج ۱۰، ۱۳، ۶۷، ۶۸، ۷۴ و ۷۸، بیروت: مؤسسه الوفاء. چاپ سوم.
۴۶. مفید بغدادی عکبری، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ج ۱، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۴۷. ———. (۱۳۷۱ش). *الجمال*، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی. چاپ اول.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*، ج ۱۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۹. موسوی لاری، مجتبی. (۱۳۶۷). *رسالت اخلاق در تکامل انسان*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ چهارم.
۵۰. نقیبی، ابو القاسم. (۱۳۸۷). *اقوال العلماء*، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، چاپ اول.
۵۱. ورام نخعی جلی، ابوالحسن ورام بن ابی فراس مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰). *تنبيه الخواطر*، ج ۲، قم: مکتبه الفقیه. چاپ اول.